

ویژه نامه



آینده کاری راه برد در دسترس است

دکتر سید حسن فیروز آبادی*

چکیده

امروزه متفکران غربی می‌کوشند با اندیشیدن درباره مدیریت تحولات دوره آخرالزمان که از آن تحت عنوان ظهور مسیح و جنگ پایان تاریخ یاد می‌کنند، بر این رویکرد آینده‌گرایانه تأکید نمایند. آنان معتقدند که با پیش‌بینی آینده، بهتر آن را می‌توان ساخت. این مقاله نیز با نگاه آینده‌پژوهانه و با تأکید بر مکتب راه‌بردی شناخت، آیات و روایات و متون دینی اسلام ناب محمدی را بررسی می‌کند تا از متدولوژی تحلیلی جامع تفسیری درباره تحولات و رخداد‌های آینده بهره‌گیرد و راه‌بردهای لازم را برای شکل‌گیری و دست‌کاری در آینده براساس نص صریح آیات و روایات و بر پایه «تداوم ولایت» تدوین و تبیین نماید.

واژگان کلیدی

آینده‌نگاری، دکترین مهدویت، منجی‌گرایی، ظهور، ادیان الهی، راه‌برد.

مقدمه

آینده‌نگری به دیرینگی خودآگاهی تاریخی آدمی است. از آن زمان که آدمی به هستی تاریخ‌مند و نیز تاریخ‌مندی هستی خویش آگاهی یافت، پیش‌بینی و نیز پیش‌گویی روی داده‌های گوناگون آینده، به ویژه روی داده‌های طبیعی و سیاسی - اجتماعی، اهمیتی گاه سرنوشت‌ساز یافته است. آن‌گاه پیش‌بینی روش‌مند فراطبیعی‌نگرانه، در تبیین اسطوره‌ای جهان و ادوار گوناگون سیر حوادث و نقش‌بازی شخصیت‌های فراتاریخی متبلور می‌شد و جهان‌نگری هر قوم چنین نظام‌مند می‌گردید. انسان‌ها این‌گونه دریافته‌اند که اگر آینده‌نگری موضوعیت و حقیقت دارد، پس موضوع آن یعنی آینده، واقعیت و عینیت خاصی دارد که گونه‌ای حتمیت و تحقق‌پذیری را به ذهن‌خطور می‌دهد. ساختن چنین آینده‌ای فرصت و مجالی حیاتی است که نباید آن را نادیده گرفت.

جبر و اختیار در خصوص امور آینده باید به گونه‌ای متعادل مطرح شود، چنان‌که قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ^۱

خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند.

این مقاله به نقش و اراده انسان در ساخت فضای ظهور و سهم او در مثبت‌سازی فضا و زمینه آن می‌پردازد و البته فلسفه تاریخی آینده‌نگری را به مجالی دیگر می‌سپرد. گفتنی است که انسان مختار، آینده‌سازی و آینده‌شناسی را ملازم یک‌دیگر می‌انگارد و آینده‌گرایی هرگز به معنای پیش‌بینی برای آماده شدن منفعلانه در برابر آینده‌ای حتمی نیست.

با سیری گذرا در کتب مقدس ادیان و مذاهب جهان درمی‌یابیم که مصلحتی در آخر زمان ظهور می‌کند و جهان آکنده از ظلم و بی‌عدالتی را به اصلاح و عدل ره می‌نماید. زیور داوود در این باره آورده است: او «قوم‌ها را به انصاف داوری خواهد کرد.» و *تورات* اشاره می‌کند: «اگرچه تأخیر کند برایش منتظر باش؛ زیرا که البته خواهد آمد.» و *انجیل* می‌گوید: «آن‌گاه پسر انسان را ببینید که با قوت و جلال عظیم می‌آید.» این تأکید در کتاب مقدس هندوان در این گزاره نقش بسته است: «کالکی مظهر دهم ویشنو، در انقضای عصر آهن، سوار بر اسب سفید در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله‌داری در دست دارد، ظاهر می‌شود و شیربان را تماماً هلاک می‌سازد.» در کتاب مقدس مانویه نیز آمده: «خرد شهر ایزد، در آخرالزمان ظهور کرده، عدالت را در جهان می‌گستراند.» و کتاب مقدس زرتشتیان چنین بیان می‌دارد: «سوشیانت دین را به جهان رواج خواهد داد.»^۲

شاید همه نویدها درباره شخص مصلح در آخر زمان وجه اشتراک کاملی نداشته باشند، ولی همه آنها به وقوع حقیقتی ناگزیر در آینده خبر می‌دهند که باید شرایط هم‌راهی و هم‌کاری جهانی را در قالب راهبردهایی فعال کرد که در پناه آن، منتظران خود را برای

شاید همه نویدها درباره شخص مصلح در آخر زمان وجه اشتراک کاملی نداشته باشند، ولی همه آنها به وقوع حقیقتی ناگزیر در آینده خبر می‌دهند که باید شرایط هم‌راهی و هم‌کاری جهانی را در قالب راهبردهایی فعال کرد

ایفای نقش و پذیرش عدالت و جهان گستری وی آماده نمایند. روی کردهایی در دین مقدس اسلام وجود دارد که باب ویژه‌ای در انتظار فرج می‌گشایند و برای منتظران ظهور، ویژگی‌ها و دستورهایی را بیان می‌کنند. این روی کردها منتظران را به کسب این توان‌مندی‌ها و اصول برای آماده‌سازی ظهور ترغیب می‌نمایند. امام کاظم در این باره می‌فرماید:

دویست سال است که شیعه با آرزوی فرج و کسب آمادگی برای آن تربیت می‌شود.^۲

تربیت و آمادگی برای ظهور و فرج حضرت جدای از نیازمندی به خودسازی و اصلاح نفس و پاک‌سازی درونی، نیازمند به اعتقاد، امید و انتظار و عمل نیکو و شایسته منتظران است تا عمل خود را در قالب برنامه و راه‌برد هدایت و مدیریت ولایی درآورند که دیگر آیات و روایات بر آن تأکید دارند. این تصریح در فرمایش گهربار دیگری نیز وجود دارد. امام صادق می‌فرماید:

آن‌کس منتظر حقیقی حضرت قائم به شمار می‌آید که در هنگام چشم به راه بودن، به پارسایی و نیکویی رفتار کند.

حضرت آیه‌الله جوادی آملی در تفسیر جامع خود به ضرورت وصل منتظران در قالب روی کرد ولایی می‌پردازد:

در دعای «اللهم عرفنی حجتک فانک إن لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی» که در یک بخش از دعای ناظر به کسب علم و معرفت در شناخت حجت خداوند بر روی زمین است، یک تحلیل فلسفی و عقلی جدی نهفته است که آن را از سنخ دیگر ادعیه جدا می‌سازد. این سنخ برای آن است که مؤمنان را مجدد از غدیر به سقیفه نکشاند و آنان را از الگوهای مردم‌سالاری خشک غربی به مردم‌سالاری دینی سوق دهد. در این فراز از دعا منظور از حجت آن خلیفه خدا و مظهر اسم اعظم است که هم تشریح و هم تکوین به اذن خدا از آن دولت اوست. احتجاج فاطمه کبرا در هنگام استرداد حق خلافت و ولایت در مسجد مدینه چنین بود: **أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةَ يَبْعُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ**^۳ لذا اگر کسی امام زمانش را نشناسد، یقیناً منتظر او و زمان

فرارسیدن ظهور او نیز نخواهد بود و در این هنگام است که حیات او حیات جاهلیت و مرگ او نیز مرگ جاهلیت است. امروز نیز نیابت این ولایت بر روی زمین بسیار حائز اهمیت است.

امام خمینی نیز وظیفه ملت ایران را در برابر امام زمان «خدمت در انتظار» می‌نامند:

ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج انتظار قدرت اسلام است.^۴

این تعبیر که شاید اساسی‌ترین کلید ورود به تدوین دکترین مهدویت در عصر نایب ایشان حضرت آیه‌الله خامنه‌ای است، از دو واژه «خدمت» و «انتظار» تشکیل شده است، یعنی نوعی فعالیت که در آن امید، صبر، تلاش، کسب اقتدار و احراز آمادگی در سطح جهانی وجود دارد و با نیت و اندیشه هم‌راه است، به گونه‌ای که نایب برحق او آن را «خدمت در انتظار» غیر از خدمت معمول در نزد عامه می‌داند.

با حاکمیت روح «خدمت در انتظار» در فضای نظری و عملی دکترین و راهبردهای حاکم بر آن، به نظر می‌رسد همه فعالیت‌ها از قداست و برکت ویژه‌ای برخوردار خواهد شد و در آن از آفات مختلف خبری نخواهد بود. با حاکمیت برنامه آینده‌گرایانه در این روی کرد است که نه تنها پیش‌رفت کشور در همه زمینه‌های مادی و معنوی تضمین خواهد شد، بلکه شدت و قدرت بیشتر و بالاتری خواهد یافت.

در حقیقت، کشور ما برای رسیدن به همه اهداف مادی و معنوی خود، چنین راه‌برد آینده‌گرایانه‌ای را در میان مسئولان و مدیران و در درجه بعدی عامه مردم باید پی گیرد که فرهنگ و تحولی این چنین، به تفکر و برنامه‌ریزی و تلاش آینده‌نگرانه در زمینه‌های مختلف علمی و عملی نیاز دارد. امام صادق می‌فرماید:

لو أدرکته لخدمته أیام حیاتى؛^۵

اگر او را درک می‌کردم تمام ایام زندگی خود به او خدمت می‌نمودم.

بیان مسئله

«آخر زمان»، افقی از زمان است که در طول تاریخ توجه بسیاری را درباره سرنوشت وضعیت جهان به خود جلب کرده است. افرادی که به آینده و به خصوص آخر زمان بی‌توجهی می‌کنند، زمان حال را با انبوه تحولات در حال گذر آن پیش روی خود می‌بینند، در حالی که همواره از خود می‌پرسند که به هنگام ظهور منجی بشریت چه چیزی و چگونه روی می‌دهد؟ اهمیت این موضوعات توجه مکاتب فراوانی را به خود معطوف کرده است، به طوری که، بازتاب گسترده و فراگیر آن در تمام ایدئولوژی‌های الهی‌گونه به چشم می‌خورد و بسیاری از مکاتب رمز موفقیت خود را گنجاندن اهداف و قابلیت‌های خود در بستر ظهور منجی و فرایند آینده‌نگری و واکوی در آینده‌ای حتمی دانسته‌اند و کوشیده‌اند برای برنامه‌ها و راهبردهای آینده چشم‌انداز و بستر روشنی را به تصویر بکشند، در این میان، مکاتب دینی و غیردینی این روی‌کرد را با غایت پویاسازی عقیده خود و تصویرسازی ذهنی آن در قالب «پایان جهان» دنبال می‌کنند.^۷

نکته دیگر امکان بازتجدید گذشته تاریخی پرافتخار و سرشار از رفاه و امنیت است که اگر این تمدن را در گذشته تاریخی خودمان تجربه کرده‌ایم چگونه می‌توانیم تکرار آن را در افق آینده به خصوص آینده انسان‌ها و جوامع اسلامی فراهم کنیم و این تمدن چه جای‌گاهی در این آینده دارد؟

بی‌گمان، ظهور آخرین منجی بشریت در پایان دوران، حادثه‌ای بی‌مانند است که تاریخ فقط یک‌بار آن را تجربه خواهد کرد. این ظهور بزرگ، شرایطی افزون بر برخی نشانه‌ها دارد. لذا امکان شناخت و امکان تأثیرگذاری در آن بسیار مهم است و لیکن این شرایط ظهور چگونه خواهد بود؟

بنابر مفروض در مباحث مهدویت، اگر نظام فرهنگی از اعتقادی صحیح (سازنده، حرکت‌آفرین و هویت‌بخش) و منطقی برخوردار باشد، آینده‌ای مطمئن را می‌تواند شکل دهد و تهدیدات سد راه خود را مدیریت کند و از همه فرصت‌ها برای ساختن فرهنگی در راستای وعده‌های الهی بهره‌گیرد. در حرکت به سوی این ایده و در موازات و یا تقابل با نگرش‌های حوزه مهدویت، این مسئله ظاهر می‌شود که آیا شیعیان و منجی‌باوران که گذشته را نمی‌توانند دگرگون سازند، آیا با برنامه‌ریزی و پیش‌بینی صحیح تحولات و رخ‌دادها، آینده را می‌توانند دست‌کاری کنند و در شکل‌گیری آن تأثیر گذارند؟^۸

آینده‌پژوهی، برخلاف تحجر، ماندن و درجا زدن، سبب ارتقا، رشد و به‌آوری می‌شود و در این زمینه، کارکردی مهم دارد و برخلاف گذشته‌پژوهی که منفعلانه است، به اختیار و اراده بشری توجه دارد که خداوند در او به ودیعت نهاده است تا به ایفای نقش احتمالی خود در آینده بیندیشد و آن را عملی سازد. لذا اگر ملت و یا تمدنی بخواهند در آینده با این روی‌کرد بازی‌گر اصلی، تعیین‌کننده و پایان‌دهنده باشند، باید بدانند که چقدر قدرت دارند و آگاهی‌هایشان از سناریوهای محتمل خود و رقیب چقدر است؟ و چقدر به امروز آگاهند؟

ظهور آخرین منجی بشریت در پایان دوران، حادثه‌ای بی‌مانند است که تاریخ فقط یک‌بار آن را تجربه خواهد کرد. این ظهور بزرگ، شرایطی افزون بر برخی نشانه‌ها دارد. لذا امکان شناخت و امکان تأثیرگذاری در آن بسیار مهم است

بی‌گمان، همه شرایط در منازعات آینده در اختیار ما نیست و ما باید توان و نقش خود را متناسب با مأموریت الهی به هنگام ظهور حضرت کسب کنیم. لذا برای این آمادگی باید دید که امکانات ما برای حضور در آینده چیست؟ آیا روی کرد و توان دینی و فرهنگی فعلی ما می‌تواند به ما کمک کند تا از آینده استقبال کنیم یا خیر؟ آیا توان و غایت آرمانی ما در قبال کارکردهای حریف استکباری، پیروان را می‌تواند مطمئن سازد که قادرند در آینده زندگی نمایند؟ آینده در کدامین شرایط برای ظهور ایشان آماده می‌شود و امنیت دارد؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

دو جریان و دو سیر تاریخی، بسیار شتابان به پیش می‌روند: نخست، سیری مبارک به سوی صلاح و شایستگی و معنویت هرچه بیشتر در مردم با شکل‌گیری نظام‌های خدمت‌گزار و عدالت‌جو و دوم، سیری شوم به سوی نفسانیت و قساوت هرچه شدیدتر. سیر نخست انسان‌ها را به فلاح و امنیت و عدالت و سعادت الهی می‌خواند و سیر دوم، آنان را به دنیامداری، شیطان و شقاوت می‌کشاند.

آینده نیز در تعارض و تصادم این دو منظر شکل می‌گیرد که در مقابل یک‌دیگرند و هرچه زمان به پیش می‌رود، تقابل این دو شدیدتر و جدی‌تر می‌شود. سیر نخست، عالمانه، ناظر به آینده و به معنای دقیق کلمه، انقلابی است که با تمام وجود تلاش می‌کند، وضع گذشته و موجود را به وضع آینده و موعود و یا «یوم الدنیا» را به «یوم الدین» بدل نماید.

مهدویت در دین مبین اسلام، امیدواری به آینده‌ای روشن است که بر مبنای آن روزی مردی الهی خواهد آمد و آن‌چه مردم به تحقق کامل آن امید بسته‌اند، برآورده خواهد نمود. این نگاه می‌کوشد تا اجتماع علاقه‌مند به خوبی‌ها و ارزش‌ها را کمک کند تا جامعه‌ای هدف‌دار و ارزشی در میان آن آشکار گردد؛ زیرا: یکم. توجه به آینده جای گاه مهمی دارد؛ چراکه آینده و مقصد نامعلوم است؛

دوم. تعیین نقطه مطلوب و مفروض در آینده، اولین گام واقعی در امید به تحقق راه‌بردهاست و ضرورت دارد برای رسیدن به رویکردهای مناسب در راه‌بردهای تحقیقاتی صورت گیرد تا نیازها

و وضع موجود انسان معاصر شناسایی شود و ضمن برشمردن ضرورت‌های ترمیم وضع حاکم و گرایش به مطلوب‌سازی، نحوه سیر از وضع موجود به وضع مطلوب را شبیه‌سازی و سناریوپردازی نماید و اجرا کند.^۹

از این‌رو، اهمیت توجه به آینده‌نگاری در حوزه مهدویت، محدوده بسیار وسیعی از جنبه‌های مختلف زندگی جوامع انسانی را می‌تواند پوشش دهد. به تعبیری دیگر، آینده‌نگاری کارکردها و توان‌مندی‌ها را پردازش می‌کند و در معرض برنامه‌ریزی قرار می‌دهد؛ کارکردهایی چون:

یکم. آماده‌سازی جامعه در برابر آینده: با تصور حوادث ممکن و ارزیابی احتمالات، خود و دیگران را برای آینده می‌توانیم آماده و تحقق آن را مدیریت کنیم. در این حالت فرصت‌ها و تهدیدها را می‌توانیم بشناسیم و در برابر آن یا برای به دست آوردن آنها برنامه‌ریزی کنیم؛

دوم. ترسیم و شبیه‌سازی نمایی کلی از آینده در حال ظهور: با استفاده از آینده‌نگاری موعود بذر تحولات آینده را در زمان حال می‌توانیم بشناسیم و درباره آن‌چه در حال ظهور و به وقوع پیوستن است، اطلاعات و دانش بیشتری می‌توانیم کسب کنیم و نقش خود و جامعه را در آن بستر برویابیم؛

سوم. دریافت و درک زود هنگام هشدارها: علاوه بر شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها، آینده‌نگاری ما را درباره درک زود هنگام این حوادث و مدیریت آن یاری می‌رساند؛

چهارم. اعطای خودبآوری و اعتماد: بعد از ترسیم و ادراک ولایی فرایند ظهور، به دلیل بررسی گستره وسیعی از حوادث و اتفاقات در آینده و فراهم‌سازی اقدامات لازم برای آن، با قدرت و اعتماد بالایی به پیش می‌توانیم رفت؛

پنجم. کسب موقعیت برتر و اقتدار آفرین: آینده‌نگاری در حقیقت تصمیم‌گیری درباره آینده در زمان حال است، یعنی ما درباره مسائل آینده خودمان در زمان حال تصمیم می‌گیریم و انرژی و موقعیت‌های برتر آفرین خود را ترسیم می‌کنیم. لذا دانش و بینشی که از آینده‌نگاری دریافت می‌داریم، ما را در کسب موقعیت برتر و در عرصه دفع تهدیدات یاری می‌کند؛

ششم. ایجاد تعادل میان رخدادها و اهداف: اگر دقایقی را برای تفکر درباره آینده در زمان حال بگذاریم، از ذهنیت «دل‌خوشی در

حال و به تعویق انداختن نگرانی درباره آینده» رهایی می‌یابیم. در این حالت، رابطه و تعادلی سازنده میان اهداف و رخ داده‌های پیش‌بینی‌ناپذیر می‌توانیم ایجاد کرد؛ هفتم. کسب اطلاعات درباره نیروهای مؤثر و ظرفیت‌ساز: از مزایای دیگر آینده‌پژوهی کسب اطلاعات درباره نیروها و عوامل مؤثر در حوزه مورد هدف است. شناسایی این نیروها و عوامل در توان فهم و درک آینده بسیار ضروری می‌نماید؛ هشتم. مدیریت و نظارت راه‌بردی سطح تغییرات: فهم و درک نیروها و عوامل مؤثر در حوزه رخ داده‌ها طراحان را درباره تغییرات احتمالی آینده هوشیارتر می‌کند و آنان را قادر می‌سازد تا با رعایت قواعد راه‌بردی برنامه‌ریزی کنند و خود یا جامعه را در برابر تهدیدات و رخ داده‌ها و امواج معارض آماده گردانند و براساس آن سناریو، مدیریت تغییرات خود را تنظیم و عمل نمایند.

البته دو مسیر همیشه پیوسته در تنظیم سناریوها و شبیه‌سازی شرایط در این آینده‌شناسی وجود دارد که نخستین آن دو بر احتمالی نبودن آینده دلالت دارد، بلکه درباره آن اراده‌ای تغییرناپذیر و جزمی هست و در دومین آن دو، امکان ورود تغییر شرایط در آینده براساس اراده انسانی و برخلاف گذشته فراهم است. به عبارت دیگر، تغییر و تحولات آینده را می‌توان پیش‌بینی نمود و بر آن تأثیر گذاشت. به همین دلیل، آنانی که آینده را در امروز به گونه‌ای بتوانند بفهمند و شبیه‌سازی کنند، آن را به همان گونه می‌توانند بسازند. این مفهوم به خصوص در زمانی که اراده الهی آن را وعده دهد، بسیار مهم و باپشتوانه است؛ زیرا اراده او تحقق آن وعده است که انسان‌ها را به انجام و یا تقاضای آن موظف نموده است:

إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ^{۱۰}

اگر خدا را یاری کنید یاری‌تان می‌کند و گام‌های‌تان را استوار می‌دارد.

از این‌رو، بسیار مهم است که ما در فضای آینده چگونه بازی خواهیم کرد و در چه راستایی گام خواهیم برداشت.^{۱۱}

ظهور منجی بنابر روی کرد دوم، آینده‌ای محتمل است که در انتظار آن هستیم و در آن تأثیر و مداخله مثبت می‌توانیم داشته باشیم. برای این تحقیق درباره آینده‌نگری دینی، انبوهی از روایات صحیح و غیرصحیح وجود دارد که بر وقوع نشانه‌هایی، در آینده دلالت دارند.

هدف تحقیق

هرگز بی‌شناخت امکانات آینده، یا آینده‌های ممکن و چگونگی سیر تحول حال به آینده، به ساختن و یا محقق ساختن آینده دل‌خواه نمی‌توان رسید. آینده‌ساز با شناخت سیر حرکت از حال به آینده، آینده مطلوب تحقق‌پذیر را در ذهن انتزاع می‌کند و راه رسیدن از وضعیت موجود را به آن آینده مطلوب بررسی می‌کند و با به‌کارگیری همه عوامل لازم

فهم و درک نیروها و عوامل مؤثر در حوزه رخ داده‌ها طراحان را درباره تغییرات احتمالی آینده هوشیارتر می‌کند و آنان را قادر می‌سازد تا با رعایت قواعد راه‌بردی برنامه‌ریزی کنند

برای تحقق آن آینده می‌کوشد. براساس این مفروض، هدف از این تحقیق تبیین و شناخت راهبرد آینده‌ساز شرایط مطلوب ظهور حجت زمان، ولی عصر است تا با کمک در طراحی جامعه مهدوی در آینده‌ای پیش‌بینی‌پذیر، یاری‌کننده ظهور براساس وعده و سنت الهی باشیم.

سؤال تحقیق

اصول اساسی در آینده‌نگاری شرایط ظهور و تحقیق دکترین مهدویت چیست و چگونه می‌توان امکان تأثیرگذاری خلاق را در شرایط ظهور حضرت حجت فراهم آورد؟

فرضیه تحقیق

ترسیم شرایط ظهور در قالب آینده‌نگاری دینی، امکان تحقق دکترین مهدویت را می‌تواند فراهم و تدوین کند و راهبردهای تحقق آن را تضمین و تسریع نماید.

روش تحقیق

روش این تحقیق هم‌چون دیگر روش‌های آینده‌پژوهی، تجویزی و هنجاری است. در این روش، بیشتر تمرکز بر شرایطی است که آینده «باید» دارای آن باشد، یعنی با توجه به ارزش‌ها و ترجیحات فردی یا نهادی، تصویر یا تصویرهایی از آینده مطلوب را می‌توان به دست آورد تا با برنامه‌ریزی گام‌به‌گام، آن آینده مطلوب کشف شود و در دسترس افتد.^{۱۲} البته آینده‌پژوهان و متخصصان دینی بر چندین اصل در این روش توافق و اجماع کلی دارند که تفسیر موضوعی آیات و روایات در کشف هنجارها و تجویزات آینده‌نگرانه دینی از جمله آن است. محقق با مطالعه و جست‌وجو در قرآن کریم، منابع روایی، عقل و اجماع برای تبیین و پاسخ‌یابی، در قالب روش تفسیر جامع به نهایی‌سازی موضوع مهدویت و آینده موعود می‌پردازد.

روش تدوین راهبرد

این تحقیق از اصول حاکم بر مکتب‌شناسی و انسان‌شناسی پذیرفته این مکتب بهره می‌گیرد تا محقق به آن‌چه فرایند و نتیجه آن در قلمرو شناخت بشر در قالب راهبردی معنا می‌دهد، دست یابد.

نظریه‌پردازان این مکتب راه‌های تحقق شناخت محیط را برای تدوین راهبرد، از طریق قالب‌های تفاوت برانگیز تشریح می‌کنند و وجه اشتراک همه آنها را با بررسی اقتضائات محیط و تأکید بر آینده جهان‌محوری و معرفت‌مداری پی می‌گیرند.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات

این پژوهش، به تناسب موضوع، از روش کتابخانه‌ای و مصاحبه خبری استفاده می‌کند که با بهره‌گیری از منابع مختلف قرآنی و تفاسیر، مجلات تخصصی، کتب و آثار دانش‌مندان و صاحب‌نظران، به انجام رسیده است. در موضوع مصاحبه نیز به جمعی از اساتید و دانش‌مندان راهبردی در دانشگاه عالی دفاع ملی و نیز مسئولان پژوهش‌کده‌های مهدویت به ویژه اعضای هیئت علمی مؤسسه آینده روشن در زمره افراد خبره مراجعه شده است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

تحقیق حاضر، پژوهشی است که در تجزیه و تحلیل اطلاعات با روش «مجموعه‌نگر» و «الهی»، به تحلیل روندها می‌پردازد و با استفاده از فنون آینده‌نگاری روندها را شفاف و قاعده‌بندی می‌نماید.

در این روش، همه مفاهیم کلیدی تحقیق متأثر از مبانی الهی و اسلامی، آینده‌نگاری دینی شده و فرضیه تحقیق که اساس و بنیان این تحقیق را برعهده دارد، در فضایی الهی و اسلامی آزمون کیفی می‌گردد.

ادبیات تحقیق

گروه‌ها و افراد گوناگونی به قصد پیش‌بینی آینده، آماده شدن برای آن و تأثیرگذاری در روی‌دادهای آن، یافتن راه‌ها و ابزارهای گوناگون برخورد با انواع آینده‌های تصورشدنی، و به منظور کمک به اتخاذ سریع‌ایستار مناسب در برابر تغییرات اساسی در جامعه‌هایی با صنایع پیچیده و ارتباط تنگاتنگ میان اجزا به آینده‌پژوهی پرداخته‌اند. آنان می‌خواهند با درک روابط موجود میان اجزای نظام‌های پیچیده اجتماعی از یک‌سو و روابط موجود از سوی دیگر، قدرت پیش‌بینی و تصحیح موضع در برابر آینده را پدید آورند.

آینده‌پردازی‌های گوناگون را از پایان دوران اسطوره‌ای و آغاز دوران فلسفی به سه گروه عمده می‌توان بخش کرد:

۱. آینده‌پردازی آرمان‌شهر: بی‌گمان، این وضعیت آینده‌ای زیبا و آرمانی در چهارچوب عدالت‌خواهی و نفی جلوه‌های گوناگون مسخ و هویت‌زدایی آدمی را طراحی می‌کند و تأثیری عظیم در نگرش همه کسانی بر جای می‌گذارد که دغدغه آینده دارند.^{۱۳}

۲. ترسیم خط سیر تمدن آینده جهان: بی‌گمان بر پایه تحلیل‌های سیاسی خاص و تحولات گوناگون اخیر در سطح جهانی، مکاتب فراوانی ناگزیرند که برای جلوگیری از ساده‌باوری و یا افراطی‌گری خویش چاره‌ای بیابند.

۳. تحلیل آینده جهان بر پایه داده‌های پیش‌گویانه صنعتی و فن‌سالارانه: تافلر با انتشار کتاب *موج سوم* بیش از پیش و در ابعادی بی‌سابقه، توجه جهان را به این روی کرد جلب کرد. او با انتشار آثاری چون *ورق‌های آینده، جابه‌جایی در قدرت، جنگ و ضدجنگ و آفرینش تمدنی جدید؛ سیاست در موج سوم*، در رأس آینده‌پژوهان و آینده‌شناسان معاصر غرب جای گرفت و توجه بین‌المللی را به این روی کرد معطوف کرد.^{۱۴}

آرمان‌شهر در آینده‌نگری اسلامی

تحقق عدالت، مقابله با حکومت ستم‌گران و نامشروع دانستن هم‌کاری و هم‌راهی با آنان، از محورهای اساسی گفتمان آرمان‌شهر دینی در اسلام است. بر همین اساس، معتقدان به مهدویت در عصر انتظار می‌کوشند در راه اجرای عدل و قسط در جامعه و مبارزه با ظلم و بی‌داد قدم بردارند و از این طریق، جامعه را برای ظهور بزرگ پرچمدار عدالت فراهم سازند. بیشتر از ۲۵۰ آیه در قرآن، ظلم، پذیرش و تحمل ظلم و سازش و ارتباط با ظالمان را تقبیح و محکوم می‌کند، چنان‌که بسیاری از بلاها و مشکلات و تلخی‌های جامعه را از آثار شوم ظلم برمی‌شمارد. سازش و تسلیم در برابر حاکمیت ظالمان و طاغوتیان در قاموس مکتب منتظران واقعی جایی ندارد و هم‌راهی و هم‌نوایی با مفسدان و ستم‌گران و سکوت در برابر مظالم و مفاصد بسیار زشت شمرده می‌شود. منتظر حقیقی با تکیه بر وعده حق الهی، در مسیر رفع ظلم و مبارزه با حاکمیت مستکبران مقاومت می‌نماید و نوید فتح نهایی مستضعف بر مستکبر را با قیام و مبارزه خود به اثبات می‌رساند.^{۱۵}

آدمی همواره به دنبال یافتن روش‌های نظام‌مند و قانون‌مند برای پیش‌بینی تحولات آینده، به ویژه در ارتباط با پدیده‌های سیاسی و اجتماعی بوده که این خود بر پیش‌فرض حاکم نمودن نظم ویژه در سیر روی‌دادها استوار بوده است.

امروز نیز در همه علوم «پیش‌بینی»، بخشی از ثمرات شناخت است و علوم، گزاره‌های علمی پیش‌بینی را در خود نهفته دارند. اما پیش‌بینی تنها در حالتی معنا می‌یابد که نخست، روابط علت و معلولی میان حال و آینده برقرار شود و وضع موجود را به گونه کامل بشناسد و سپس چگونگی فرایند تحول حال به آینده را به گونه دقیق ترسیم کند تا در پناه آن

آدمی همواره به دنبال یافتن روش‌های نظام‌مند و قانون‌مند برای پیش‌بینی تحولات آینده، به ویژه در ارتباط با پدیده‌های سیاسی و اجتماعی بوده که این خود بر پیش‌فرض حاکم نمودن نظم ویژه در سیر روی‌دادها استوار بوده است.

بتواند از وضع کنونی، وضع آتی را استنتاج کند. با فرض تحقق این شرایط، منتظران و آینده‌پژوهان در برابر آینده نمی‌توانند منفعل باشند، بلکه باید به دنبال واقعیت بخشیدن به آینده‌ای باشند که با انتظار آن، از سیر عادی وضعیت کنونی نتیجه‌ای رضایت‌بخش حاصل شود. برای اجرای این اصل، وضع موجود را باید بشناسند تا انسان‌های منتظر به منزله عواملی آگاه و برخوردار از هر گونه اختیار تأثیرگذار بنمایند و آن‌گاه امکان اعمال اختیار آگاهانه و هدایت منتظران در حرکت از حال به سوی آینده‌ای مطلوب، بر بستر روابط علت و معلولی فراهم شود. بنابر این روی کرد، تغییر جهان بی‌تعریف آن معنا ندارد و باید تعاریف و شرایط مورد انتظار خود را از جهان مشخص کرد و در اجرای آن کوشید.^{۱۶}

۱. تکیه بر امیدپرووری در جامعه دینی

برخی از ویژگی‌های عقیده مهدویت، برای هر ملتی، در حکم خون در کالبد و در حکم روح در جسم است که مهم‌ترین آنها امید است. گاهی اوقات دست‌های قلدر و قدرت‌مند، امید ملت‌های ضعیف را از میان می‌برند. اعتقاد به وجود مقدس مهدی موعود، امید را در دل‌ها زنده می‌کند. انسان معتقد به این اصل، ناامید نمی‌شود؛ زیرا می‌داند پایان روشن حتمی وجود دارد. لذا می‌کوشد خودش را به آن برساند.^{۱۷}

۲. توسعه جامعه‌پذیری مهدی‌باور

امروز تکلیف بر آماده‌سازی زمینه ظهور است تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام بکند. جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود باشد که در او آمادگی و قابلیت باشد و الا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می‌شود.^{۱۸}

۳. توسعه صلاح و شایستگی‌های خلاق

از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و صلاح است. همه انبیا و اولیا برانگیخته شده‌اند تا انسان را به آن بزرگ‌راه اصلی سوق دهند که وقتی وارد آن شد، راه صلاح را از فساد بازیابد و همه این تلاش‌ها براساس این بینش است که نهایت این عالم، غلبه صلاح بر فساد می‌باشد. لذا در تحقق و تسریع در شکل‌گیری این شرایط به زمینه‌های آن نیز در آینده باید توجه نمود.^{۱۹}

۴. توسعه زمینه‌های ظهور معرفت خلاق

امروز ذهنیت بشر، از این زمینه باید برخوردار باشد که بفهمد، بداند و یقین کند که انسان والایی خواهد آمد تا جهان بشریت را پر از عدل و داد سازد و او را از زیر بارهای ظلم و ستم نجات دهد. این همان چیزی است که همه پیغمبران برای آن تلاش کرده‌اند و پیغمبر اسلام در آیه قرآن، وعده آن را به مردم داده است:

وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ^{۲۰}

و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد.

دست قدرت الهی به وسیله یک انسان عرشی و متصل به عالم‌های غیبی، معنوی و عوالمی که برای انسان‌های کوتاه‌نگر قابل درک و تشخیص نیست، می‌تواند آینده بشریت را رقم زند و آرزوی او را برآورده کند. دنیای آینده، دنیایی سرشار از عدالت و پاکی و راستی و معرفت و محبت است که در دوران ظهور امام زمان شکل می‌گیرد. لذا آماده‌سازی زمینه و شرایط بسط و شکل‌گیری معرفت، عدالت و مهرورزی بسیار کلیدی است که نهایت و تکامل این مفاهیم و کارکردهای آن در زندگی حقیقی انسان، مربوط به دوران بعد از ظهور امام زمان می‌باشد که خدا می‌داند بشر در آن‌جا به چه عظمت‌هایی نائل خواهد شد.^{۲۱}

۵. توسعه آموزه‌های مهدی‌باور

دکترین مهدویت، پیشرفت جامعه اسلامی را به سمت کمال روان‌تر و سریع‌تر خواهد نمود. باید لشکری از حق و حقیقت و کاروانی که بشر را به سرمنزل عدل و داد پیش می‌برد، فراهم آورد و افزایش داد تا این دکترین جامه عمل به خود بگیرد. باید آینده‌ای را دنبال نمود که همه آحاد بشر در آن آینده، طعم عدالت را به معنای واقعی کلمه بچشند و همه آحاد بشر سهم خود را از معرفت، حقیقت و عمل به حقیقت محقق ببینند. آموزه‌های مهدویت باید از این ظرفیت برخوردار باشند که مخاطبان این قاعده را محقق نمایند که هرچه زورگویان و زراندوزان و زورمداران عالم تلاش کنند، نخواهند توانست این حرکت را متوقف کنند.^{۲۲}

۶. نهادینه‌سازی شعارهای مهدویت در عمل‌کردهای راهبردی

بسیار کوشیده‌اند تا شعار توحید، معنویت و دین‌داری را در دنیا منسوخ کنند و به طور کلی، به فراموشی بسپارند. اما این شعار باید رویکرد رسمی حکومت‌های اسلامی برای اداره کشور و احاد ملت مسلمان باشد؛ شعاری که آرزوی تمامی ملت‌های مسلمان بسیاری از کشورهای دنیاست و یک روز تحقق پیدا خواهد کرد و جهان را غافل‌گیر خواهد کرد.^{۲۳}

۷. تمهید آینده‌پژوهانه در نزدیک‌سازی زمان ظهور

باید انسان‌ها با افزایش صلاح، شایستگی، خدمت‌گزاری صادقانه، افزایش سطح دانش و نوآوری و اخلاق و رفتار خدایسندانه در کسب صلاحیت‌های معرفتی خود تلاش کنند تا امکان ظهور نزدیک‌تر گردد. این شرایط و تسریع در تحقق و ظهور آن در دست انسان‌هاست. اگر انسان‌ها خود را به صلاح نزدیک کنند، آن روز نزدیک خواهد شد. همان‌گونه که در روایات تحت عنوان «والله لتمعصن» و «والله لتغربن» آمده است،^{۲۴} برای کسب معرفت، علم، خلاقیت، اقتدار و عدالت و مهرورزی، امتحان شدید و فشار فراوان در پیش است. باید دانست که آینده متعلق به انسان‌های تلاش‌گر عالم، خلاق، صبور و صالح است، آینده‌ای که قبل از تحقق آن و ظهور مهدی موعود، انسان‌های پاک در میدان‌های مجاهدت امتحان می‌شوند.^{۲۵}

۸. دشمن‌شناسی کلید هوش‌مندی در جبهه انتظار

مشاهده عمل‌کرد سیاست‌گذاران و طراحان برنامه‌های استکباری نشان می‌دهد که مهم‌ترین امور مورد تعقیب آنان در آینده جهان اسلام، توسعه و ایجاد فضایی یأس‌آلود درباره اصلاحات و پیش‌رفت‌هایی است که باید در کشورهای اسلامی انجام گیرد. قدرت‌های استکباری می‌کوشند که ملت‌های مسلمان از صلاح و قابلیت‌گرایی خسته و مأیوس شوند تا حربه تفوق آنان کارگر بیفتد. اگر ملت‌ها به آینده نقش‌آفرینی و تحول‌زایی خود امیدوار و خلاق و پابرجا امیدوار بمانند و خودباوری و اعتماد به ایفای نقش در آینده را سرلوحه مدیریت عمل‌کرد خود قرار دهند، حربه دشمن دیگر کارگر نیست. آنان سعی می‌کنند فضای تیره‌ای را در مقابل آینده این ملت‌ها ترسیم کنند؛ فضای تیره‌ای که به ملت‌ها القا می‌کند نیروی ذاتی، فرهنگ، اعتقادات، شخصیت، هویت ملی و دین آنان، نمی‌تواند آینده مناسبی را تضمین کند و باید قدرت‌های بزرگ به آنان کمک کنند تا حرکت فعال و خلاق داشته باشند. در حالی که تفکر انتظار، نقطه مقابل این عمل‌کرد است و بر محیط اسلامی و پیروان مذهب اهل‌بیت: حاکم است.

زمینه ظهور مهدی موعود در قالب عمل‌کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام پدیدار می‌شود و لذا برای حاکمیت اسلام باید کوشش کرد، همان‌گونه که ملت بزرگ ایران این قدم را یک‌بار با انقلاب اسلامی در برابر زورگویان مستکبر برداشتند.^{۲۶}

آینده متعلق به
انسان‌های تلاش‌گر
عالم، خلاق، صبور و
صالح است، آینده‌ای
که قبل از تحقق آن و
ظهور مهدی موعود،
انسان‌های پاک در
میدان‌های مجاهدت
امتحان می‌شوند.

۹. توسعه قدرت و اقتدار نظام‌های اسلامی

رشد و توسعه عدالت‌محوری در جامعه، برجسته‌ترین نکته در دکتربین مهدویت است. درباره خصوصیات برجسته امام زمان این‌گونه آورده‌اند که «الذی یملاً الأرض عدلاً و قسطاً کما ملأت ظلماً و جوراً»^{۲۷} انتظار واقعی برای این است که او همه عالم را سرشار از عدالت می‌کند و قسط را در همه جا مستقر می‌نماید. بنابراین، منتظران مهدی موعود ، در درجه اول، باید منتظر استقرار عدالت باشند. اما عدالتی که جهان در انتظار آن است، با موعظه و نصیحت به دست نمی‌آید.

برای استقرار عدالت باید مردمان عادل و انسان‌های صالح و عدالت‌طلب، قدرت را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند. با سرمستان قدرت ظالمانه، نمی‌شود با زبان نصیحت حرف زد؛ با آنان باید با زبان اقتدار سخن گفت.^{۲۸}

۱۰. توسعه و تداوم روشن‌گری و آگاه‌بخشی انسان‌ساز

انتظاری که از آن سخن می‌گوییم، به معنای آن است که باید خود را برای سربازی امام زمان در همه عرصه‌ها و اعصار آماده کرد. خدمت‌گزاری و فداکاری برای منجی بزرگی که با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی می‌خواهد مبارزه کند، به خودسازی و آگاهی و روشن‌بینی نیاز دارد. باید چشم‌انداز آینده مملو از انسان‌هایی باشد که از لحاظ علمی و فکری و عملی خود را آماده سازند تا در میدان‌های فعالیت و مبارزه، آماده به کار باشند؛ انسان‌های عالم و خدمت‌گزار به اهداف و آرمان‌های اسلامی و منتظرانی که بتوانند خود را از لحاظ معنوی، اخلاقی، عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنان و هم‌چنین برای پنجه درافکندن با زورگویان آماده کنند. کسی که در انتظار آن مصلح بزرگ است، باید در خود زمینه‌های شایستگی و صلاح را آماده کند و کاری کند که بتواند برای تحقق صلاح بایستد.^{۲۹}

۱۱. تکمیل حلقه‌های مردم‌سالاری دینی

حکومت آینده حضرت مهدی موعود مردمی و متکی به ایمان‌ها و اراده‌ها و بازوان مردم است. امام زمان ، به مردمی تکیه می‌کند که در بنای عدل الهی در سرتاسر عالم و استقرار آن او را یاری می‌سازند. لذا حکومتی صددرصد مردمی

تشکیل می‌دهد. البته این حکومت مردمی با حکومت‌های مدعی دموکراسی در دنیای امروز تفاوت فراوانی دارد. مردم‌سالاری امام زمان ، مردم‌سالاری دینی است و با روش دموکراسی امروزی به کلی متفاوت است.^{۳۰}

۱۲. پیوند دکتربین ظهور با ولایت فقیه

امامت و ولایت در اعتقاد شیعه، جوهره قدرت سیاسی در دولت اسلامی است. از این رو، هویت سیاسی مذهب شیعه با اعتقاد به حضور و یا نظارت عام و وجود امام شناخته می‌شود. غیبت امام در جامعه، حیات سیاسی شیعه را در فرایند پریپچ و خمی از زیست منتظرانه قرار داده است. بر مبنای این اصول اعتقادی، مهدویت استمرار خط امامت محسوب می‌شود و در این فرایند طولانی عصر غیبت، عالم از ظهور نواب عام آن حضرت بی‌بهره نیست و رسالت حفظ مکتب و هدایت امت و مسئولیت جامعه اسلامی و سامان‌بخشی سیاسی در این قالب تداوم می‌یابد.

۱۳. نقش محوری روحانیان در قاعده‌مندی کردن ظهور

اصل ولایت فقیه باعث شده که نقش روحانیان، جلوه خاصی بیابد و مراجع، علما و روحانیان از اعتبار خاصی میان جامعه منتظر و خدمت‌گزار بهره‌مند باشند. نقش و جای‌گاه روحانیان در ارکان مختلف جامعه دینی و در این راستا در کشور جمهوری اسلامی، در هیچ‌یک از احزاب و سازمان‌های سیاسی ملل مسلمان سابقه ندارد. آنان دو نقش مهم در جامعه اسلامی ایفا می‌نمایند:

۱. ارتباط عالمانه میان ولی‌فقیه و پیروان مردم‌سالاری دینی در جهان اسلام، با محافظت و صیانت از ماهیت اسلامی مردم‌سالاری و کارکردهای آن در انطباق با دین مبین اسلام؛
۲. تبلیغ شجاعانه و مدبرانه منجی‌باوری میان ادیان توحیدی و توحیدمدار در راستای یک‌پارچگی ملت‌های معتقد به خداوند واحد و منجی موعود.

منجی‌پژوهی؛ آینده‌شناسی دینی

منجی‌پژوهی موضوعی در مقوله آینده‌شناسی است که محققان بر این باورند که قواعد آن به تدریج خود را در قالب آینده‌شناسی دینی و ظهور یک منجی قدرت‌مند در آخر زمان نشان خواهد داد. بیشتر اندیشه‌ورزان بر این باورند که وقتی از منجی‌پژوهی و

آینده‌شناسی آن سخن می‌گویند، به ناچار باید سه نوع نگاه به آن را نیز بررسی کنند: نوع اول: کسانی که به آینده نگاه شهودی دارند و بیشتر بر باورها و خلاقیت خود تکیه می‌کنند و لذا بر همین اساس و یا با تکیه بر منابع و نگاه آرمانی خود پیش‌بینی‌های روشنی ارائه می‌دهند. برخی از اندیشه‌ورزان تحقق‌پیش‌بینی این گروه را بیشتر برآمده از توان‌مندی و روان‌شناسی شخصیتی آنان می‌دانند و برخی دیگر، به وجود معرفت و دانش برگرفته از محیط، تاریخ، روندها و برداشت آنان از رخ‌دادهای آینده و نیز ویژگی‌های خاص این افراد در جامعه اشاره می‌کنند.

نوع دوم: کسانی که به آینده مبتنی بر وعده‌های الهی می‌نگرند و بر ویژگی و انتصاب افرادی تکیه می‌کنند که خداوند آنان را واجد درک شرایط می‌دانند، این محققان، آینده را به طور سنتی از وحی و روایات و اندیشه فقها می‌شناسند و آینده‌شناسی را ویژه مطالعه تاریخی و تجربه اجتماعی در گذشته و حال می‌دانند.

نوع سوم: گونه‌ای از آینده‌شناسی امروز به حدس‌های علمی معروف است. این آینده‌شناسی به درک مبانی و اخذ نتایجی از آن مبانی منتهی می‌شود. یکی از بنیادی‌ترین فرض‌های آینده‌شناسی علمی، قبول پیوستگی تقریبی روی‌دادهاست. بدین‌سان که دامنه حوادث جهان را قاعده‌مند و یک‌پارچه فرض می‌کنند و آینده را پیرو قواعدی می‌دانند که شرایط وقوع آن کمابیش در حال و گذشته وجود داشته و به هیچ وجه از تحول، تغییر و نوآوری تأثیر نمی‌گیرد و آینده چیزی جز تکرار در گذشته و لیکن در قالب و نمادی دیگر نیست.

سنت آگوستین بنیان‌گذار این تفکر می‌گوید:

زمان یک چیز ذهنی است. از رابطه من سوژه تحلیل‌گر با هستی یا هستنده‌های طبیعی یا اجتماعی پدید می‌آید. یعنی من هستم که می‌گویم گذشته این پدیده، حال این پدیده و آینده این پدیده چیست و لذا این فرض پذیرفتنی است که حوادث، انقطاع بنیادی ندارند و کم و بیش روندی پیوسته به خود می‌گیرد که این روند عبارت است از: احضار و تفسیر گذشته یک شیء و سپس پیش‌بینی آینده این شیء بر حسب تفسیر و توصیفی که از کارکرد آن در گذشته و حال تجربه شده است.^{۳۱}

او معتقد است که بروز اتفاقات جدید رخ‌دادهایی از گذشته است که به گونه‌ای دیگر رخ می‌نماید. به همین دلیل، دسته‌بندی دیگری می‌توان ارائه داد که در نظریه‌پردازی‌های آینده‌نگر آن را به دوگونه تحلیل می‌نمایند:

یکم. تحلیلی است که آینده را مجموعه‌ای از احتمالات برمی‌شمارد که سناریوهای هم‌نشین یا امکان‌جای‌گزین راه‌حلی از گذشته در آن وجود دارد و دوم آن که آینده امکان ظهور یک احتمال و یا بروز احتمالات متعدد است که باید بتوان با تکیه بر اصول و توان‌مندی‌های برخاسته از امکان و غایت حاکم بر شرایط و قابلیت‌های مدیریت

سنت آگوستین: زمان یک چیز ذهنی است. از رابطه من سوژه تحلیل‌گر با هستی یا هستنده‌های طبیعی یا اجتماعی پدید می‌آید. یعنی من هستم که می‌گویم گذشته این پدیده، حال این پدیده و آینده این پدیده چیست

تحولات، تحقق آنها را در قالب یک دامنه شناسایی نمود. در این رویکرد نیز برای آینده‌پژوهی دو گام سفارش می‌شود:

گام اول: استقبال از آینده

بخشی از روند عمومی برای آینده‌شناسی است که از درون دو نگاه حاصل شده است:

یکم. پروژه تاریخی‌گری که آینده حتمی را فرض کرده و وظیفه محقق را برای رسیدن به آن آینده یا شناساندن وضعیت جوامع در نقطه‌ای از تحولات تاریخی می‌داند.

دوم. نوع آینده‌شناسی براساس سوژه مبتنی بوده و بر خلاقیت انسان در گذر زمان متکی است. بنابر این آینده‌شناسی، انسان‌ها برای خود دنیایی خلق می‌کنند و این دنیای مخلوق انسانی، سرنوشتی جدید را برای انسان رقم می‌زند.

گام دوم: مبانی آینده‌شناسی

هرگونه آینده‌نگری نیازمند آینده‌شناسی است و آینده‌شناسی، با پشتوانه بر پیش‌فرض‌هایی در خصوص وجود گونه‌ای ارتباط و توالی میان روی داده‌هاست که خود، نیازمند آینده‌پژوهی است. آینده‌شناس بر آن است تا وضعیت آینده را بشناسد که یک نظام کوچک یا بزرگ اجتماعی یا طبیعی می‌تواند باشد. او در آینده‌شناسی، آگاهانه یا ناآگاهانه، از نگرش خاصی درباره چگونگی و پیوند روی داده‌ها برخوردار است.

تجزیه و تحلیل

بسیاری اندیشه‌ورزان و آینده‌پژوهان در بیان ضرورت و ترسیم مقصد مطلوب تردیدی ندارند، اما هیچ‌گونه تصویر و ترسیم روشنی از آن مقصد ارائه نمی‌دهند.

عوامل مشروعیت‌ساز و دوام‌بخش راه‌برد، کارکردهای مکتب‌شناختی در تدوین راه‌برد، براساس آنچه در ادبیات تحقیق به عنوان ضرورت‌ها و آرمان‌های تاریخی و فلسفی از ظهور آمد، ایجاب می‌نماید که پنج قالب شناختی را در تدوین راه‌برد بر عوامل تأکید شده در ادبیات تحقیق تعمیم دهیم و به تحلیل کیفی و جامع مباحث پردازیم.

در پیش‌فرض‌های مکتب‌شناختی برای تجزیه و تحلیل داده‌های آینده‌پژوهی و تدوین راه‌برد، به فرایندی معرفتی نیاز

است که در ذهن رهبران راه‌بردی شکل می‌گیرد و خود را به صورت استراتژی، شکل، سیاست، نقشه، طرح، برنامه و چارچوب ظاهر می‌کند و تعیین‌کننده آن است که افراد چگونه از منابع و محیط در راستای آرمان‌های تحقق‌پذیر استفاده می‌کنند.^{۳۲} براساس آنچه بیان شد، نگاه آینده‌پژوهانه در دکترین مهدویت نیز در قالب «مکتب راه‌بردی شناخت» کاربردهای خود را به شرح ذیل می‌تواند تعریف نماید:

۱. نقشه راه

۱. دکترین مهدویت باید رویکردی جدی و مقتدرانه برای اجرای کارکردهای خود در آینده داشته باشد؛

۲. مهدی‌باوری بایست از ایمان و ما فی الضمیر عموم مردم و جوانان سرچشمه گیرد؛

۳. آموزه‌های راه‌بردی مهدویت بایست از خاصیت فرهنگ‌سازی برخوردار باشد؛

۴. اهداف مبتنی بر آمادگی ظهور بایست برانگیزاننده و شورآفرین باشد؛

۵. راهبردهای اجرایی باید هم‌آهنگ‌گرا و اشتراک‌ساز باشند و از تفرقه و اختلاف در ادیان موحد و منجی‌باور بپرهیزند؛

۶. ریشه دل‌بستگی و تجارب تاریخی شیعیان و تجارب موفق انقلاب اسلامی در الگوپردازی و الهام‌بخشی برای دکترین در نظر آید؛

۷. الگو و نمونه منجی‌باوری، به صورت شفاف تبلیغ و نمادسازی گردد؛

۸. دکترین و راهبردهای مهدویت براساس رهنمودها و هدایت‌های نایب ولی عصر و ولی فقیه زمان، جامعیت و مشروعیت یابد؛

۹. از تزاخم و تداخل نظری حوزه‌های فرهنگی شیعی در دو موضوع انتظار و مهدویت جلوگیری شود؛

۱۰. سائق و ذائق منتظران و منجی‌باوران در دستگاه‌های ارتباطات رسانه‌ای و عمومی برای الگوپذیری و گرایش فرهنگی و آینده‌پژوهانه ایشان به اهداف مهدویت در نظر آید؛

۱۱. آگاهی و ارتقای سطح آمادگی و کنش مثبت در نسل جوان در راستای مهدی‌باوری در اولویت واقع شود؛

۱۲. کارگزاران سیاسی - اجتماعی کارکردهای مهدی‌باوری را مبنای تنظیم عمل کرد و تولید قدرت ملی قرار دهند.

۲. چارچوب راهبرد

یکم. اصل قرار دادن خدمت‌گزاری در عصر غیبت

«خیلی فرق می‌کند این‌که انسان یک کار مفیدی را در یک گوشه‌ای برای خود انجام بدهد و یا به جهت اهمیتی که کشور و ملت در سرنوشت دنیای اسلام دارد و مجموعه کارگزاران نظام اسلامی در آن مسئول هستند، برای دولت اسلامی دنبال نماید. لذا باید زمان حاضر قدر دانسته شود؛ زیرا این فرصت، همیشه در دست نمی‌ماند؛ فرصت مغتنمی که نیازمند کارهای بزرگی است و خداوند این امکان و توفیق را به افرادی می‌دهد که خدمت‌گزار مردم باشند.»^{۳۳}

برخی از این فرصت‌ها برای خدمت و برخی برای تأمین آینده و آباد کردن زندگی‌شان استفاده می‌کنند. امیرمؤمنان به مالک اشتر در این‌باره فرموده است:

این مسئولیتی را که به تو سپرده شده طعمه ندان؛ این یک طعمه نیست که بر آن بیفتی و خود، شکمت و زندگیت را بخواهی با این کار رنگین کنی، بلکه این یک فرصت ارزش‌مندی است برای این‌که خدمت و کار کنی و آن را برای خود ذخیره آخرت نمایی.

دوم. تداوم و اتصال انقلاب اسلامی به قیام مهدی موعود

در طول بعضی از سال‌های گذشته برخی چنین می‌پنداشتند که شعارهای اصلی انقلاب، سربلندی اسلام، مسئله عدالت، مسئله مبارزه با استکبار، تلاش و مجاهدت برای رفع استضعاف از مستضعفان، دیگر تمام شده است، ولی معلوم شد که آنها اشتباه می‌کرده‌اند. منتظران مهدی باید با هم مهربان باشند و حقوق هم‌دیگر را رعایت کنند، در گرفتاری‌ها به داد هم برسند و فریادرسی کنند. این فرهنگ، در همه ادیان به نام موعود رقم می‌خورد و اینها گام‌های بزرگی است که در راه زمینه‌سازی ظهور برداشته می‌شود و مانعی هم ندارد. امروز باید نگاه راهبردی به مسئله مهدویت، تکیه بر منجی‌باوری در تمامی ادیان موحد و تقویت اشتراکات باشد. باید معتقدان به ظهور منجی را برای آماده‌سازی اخلاقی، سیاسی، فرهنگی و دفاعی یاری نمود و نباید مهدویت را به تفکر شیعی محدود دانست.^{۳۴}

باید این دقت فراگیر گردد که نکته مهم و راهبردی، انتظاری سازنده برای منجی مصلح عدالت‌گستر است که سیاست اصلی آن، آینده‌سازی است. این راهبرد، الهی است و پیروان ادیان نیز این راهبرد را فهمیده‌اند. اما این انتظار چگونه تحقق می‌یابد و تقابل با آن، برچه اساسی شکل می‌گیرد و مدیریت می‌شود. باید همه منتظران موحد در این راه شجاعانه حضور یابند.

امروز باید نگاه راهبردی به مسئله مهدویت، تکیه بر منجی‌باوری در تمامی ادیان موحد و تقویت اشتراکات باشد.

سوم. خدمت‌گزاری شجاعانه و ولایت‌محور

«پی‌گیری شجاعانه و اقتدارآمیز حقانیت منجی‌باوری در عصر غیبت را نمی‌توان با تردید، با تزلزل، با ترس و لرز عمل نمود، بلکه باید کارهای بزرگ را با شجاعت و اقتدار انجام داد.»^{۳۵}

وقتی رزمنده یا افسری به خط دشمن می‌زند، انسان مادی چنین می‌پندارد که به هر روی فقط پیروز برمی‌گردد، ولی شیعه و مسلمان، ارتباط معنوی با حضرت صاحب‌الزمان برقرار می‌کند و به دکترین پیروزمند سپاه اسلام، معنویت، عشق به خدا و اهل‌بیت و خدا توکل می‌نماید. البته این عشق و توکل در زمان صلح باید در خدمت تولید علم، تولید حرکت، تولید نهضت، عشق به آموزش آمادگی دفاع بهتر از دین خدا را نیز در کنار فرد منتظر قرار دهد و این موجب اتحاد و انسجام در لشکر اسلام، تبعیت قوی از فرمان‌دهی در لوای حکم ولایت می‌گردد. در لشکر اسلام تبعیت از فرمان‌دهی، تبعیت از ولی‌فقیه، امام زمان ، رسول خدا و خداست و جنگ‌جویان همواره در رکاب اولیای خدا می‌جنگند. وقتی شهدا را می‌بیند، قدرت می‌گیرد.

اگر راه‌بردها براساس فرهنگ مهدویت شکل گیرد، این فرهنگ در سیاست، روابط بین‌الملل، اقتصاد، تربیت انسان‌ها و زندگی خانوادگی، نجات‌دهنده خواهد بود. زیباشناسی این فرهنگ و الگو نیز از بهترین ویژگی و شاخصه‌های اقتدارزایی آن است.^{۳۶}

چهارم. تهاجم محوری در روابط و تعاملات خارجی

«در زمینه سیاست خارجی هم دولت اسلامی و منتظر ظهور باید موضع تهاجمی به خود بگیرد و حق را طلب نماید. تبدیل موضع تهاجمی به موضع تدافعی برای منتظران ایشان، یک خطاست. منتظران حقیقی باید طلب‌کار دنیای استعمارگر باشند. آنانی که زمین را پر از فساد کردند، با ایجاد جنگ‌های داخلی و فروش تسلیحات گوناگون، اشاعه سلاح‌های اتمی و شیمیایی و میکروبی و تخریب اخلاقیات و توسعه فرهنگ استهجان و لابلالی‌گری و اشاعه شهوت جنسی چیزی جز فساد به هم‌راه نیاورند. باید با قدرت از آنان مطالبات یک ملت زنده را خواست و پاسخ گرفت.

باید دولت اسلامی و مهدی‌باور در سیاست خارجی خود به حمله و هجوم روی آورد. منتظران باید بدانند دنیای استکبار مفسده‌جو و زیاده‌طلب است و باید به این فرهنگ ضد عدالت

در حوزه‌های سیاست خارجی، مدعیانه هجوم برد و خلاقانه و هوش‌مندانه مطالبات منتظران حقیقی را دنبال کرد.»^{۳۷}
منتظر مصلح و موعود عدالت‌گستر در هر دینی، اگر توجیه شود و با منجی اتصال برقرار کند، انسانی مبلغ و ضد استکبار، مبارز، انقلابی و مبلغ ارزش‌های او می‌گردد. این آموزه باید در همه آموزه‌های آینده‌پژوه اصل قرار گیرد که اگر هر مسلمانی منتظر مهدی و مهدی‌شناس گردد، مجاهد و ضد استکبار نیز خواهد شد.^{۳۸}

زمینه‌شناسی راهبردهای آینده‌نگر ظهور

الف) توجه هم‌زمان به نیازهای مادی و معنوی منتظران ظهور

دولت اسلامی موظف است که جدای از نیازهای خارجی، مسکن و آسایش و آرامش ظاهری زندگی مردم به اخلاق دینی و تبلیغ و راه‌نمایی آنان در صراط مستقیمی که جوانان مشتاقانه و آگاهانه آن را می‌جویند، توجه کند و با آموزش و پرورش آنان به رشد علمی و دینی و تقوایی‌شان اهمیت بخشد تا راه خدمت صادقانه، متعهدانه و مخلصانه به مردم را مشتاقانه و علاقه‌مندانه انتخاب نمایند و در آن از هیچ تلاشی فروگذاری نکنند.

امروز هدف تمامی نهادهای استکباری که قدرت، ثروت، فن‌آوری و رسانه‌های خبری دنیا را می‌خواهند تحت سیطره خود درآورند، برخورد با جامعه‌های آرمانی است. آنان می‌کوشند انسان را از اندیشیدن به معنویت دور کنند تا نیل به مادیت تسریع شود. اما درک نمی‌کنند که این بشر، تشنه معنویت و در نیل به مشارکت در تحقق ظهور منجی برگزیده است. باید کاری کرد که تمامی دنیا و مردمان آن درک کنند منجی و موعود منتظران خواهد آمد و هر کس در هر جای دنیا با هر اعتقادی در پی مهیا ساختن زمینه‌های ظهور منجی مصلح و عدالت‌گستر افتد. این کارکرد را باید در قالب معنویت تبلیغ کرد.^{۳۹}

ب) مبارزه با عقب‌ماندگی و فساد

منتظران و خدمت‌گزاران صادق باید با فساد مبارزه کنند. هرچند که مبارزه با فساد به صلاح و شایستگی احتیاج تام دارد، ولی منتظران حقیقی اول باید به ترکیه و صلاح خود بپردازند و

سپس خود را آماده مبارزه با فساد کنند. اگر نقطه ضعفی از باب فسادپذیری در نزد آنان و یا جامعه اسلامی و کارگزاران آن رسوخ کند، دیگر نمی‌توانند به راحتی در آن حوزه قدم گذاشته و به عدالت‌گستری و مبارزه با فساد پردازند. لذا باید همه منتظران در این راه گام برداشته و از خودشان نیز مواظبت کنند، مواظب خود باشند.^{۴۰}

ج) توجه به تحرک‌آفرینی و نوآوری تبلیغی در حوزه‌های علمیه

ترویج فرهنگ تحرک‌آفرین و آینده‌نگر در حوزه‌های علمیه و مبلغان دینی برای مقابله با برداشت غلط و انحرافی، سبب می‌شود خدمت‌گزاران منجی موعود بتوانند با برخورداری از اعمال پاک، شهامت و آگاهی، خود و جامعه را برای ظهور منتظر آماده سازند. ایستایی، بی‌اعتنایی و هم‌نوایی با وضع موجود و صرفاً منتظر ظهور موعود نشستن در این نگرش کاملاً مطرود است؛ زیرا دولت ایده‌آل عصر ظهور محصول سیر استکمالی جامعه انسانی و اخلاقی و قدرت‌مند است.

دوست داشتن و انتظار بی‌عمل اگر مطلوب هم باشد، کافی نیست و باید با تلاش عملی و همه‌جانبه آن را ثابت کرد. بهره‌گیری از آموزه‌هایی هم‌چون «موعودگرایی»، «انتظار فعال»، «اجتهاد سازنده» و «مرجعیت و ولایت فقیه» پویایی خاصی به این روی‌کرد بخشیده و تشیع را به شایسته‌ترین مبلغ این دکترین پیش‌رو در میان موحدان مبدل ساخته است.

د) تقویت بسترهای فرهنگی تسلیم‌ناپذیر در مقابل دشمنان

ملتی که به مهدویت معتقد است، هیچ‌گاه نباید احساس ضعف کند، بلکه باید با قدرت و تحمل سختی‌ها و فشارها به مسیر پیش‌رفت و عزت خود ادامه دهد و در مقابل زورگویان سر تسلیم فرود نیاورد.

ه) توسعه منطق آینده‌ای روشن و پر افتخار

هیچ مانعی در راه پیش‌رفت و کمال معتقدان به مهدویت کارگر نیست و مردمی که مکتب انتظار مهدوی را در پیش گرفته‌اند، باید دارای سرنوشتی زیبا و خوش‌آیند باشند، هرچند برخی مایلند ملت و امت اسلامی را عقب‌نگه‌دارند و همیشه آن را زیر دست خود و محتاج به بیگانه ببینند، درحالی‌که اسلام چنین اجازه‌ای به مسلمانان نداده است و ملت ایران با جهاد و کوشش، توانسته‌اند خود را به مرز خودکفایی و پیش‌رفت و اقتدار برسانند و به تعبیر قرآن، در میان کشورهای جهان به منزله امت وسط و نمونه مطرح باشند. رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید:

انتظار فرج علاوه بر این‌که به معنای گذرا بودن وضعیت ظلم و جور کنونی دنیا و در نهایت، استقرار حکومت عدل الهی است، به مسلمانان می‌آموزد که در زندگی فردی و اجتماعی هیچ بن‌بستی وجود ندارد و نباید یأس بر زندگی انسان حاکم

شود.^{۴۱}

ملتی که به مهدویت معتقد است، هیچ‌گاه نباید احساس ضعف کند، بلکه باید با قدرت و تحمل سختی‌ها و فشارها به مسیر پیش‌رفت و عزت خود ادامه دهد و در مقابل زورگویان سر تسلیم فرود نیاورد.

و) توسعه بسترهای نشاط و عزم ملی در عرصه‌های تولید علم و خدمت‌گزاری

بسیاری از مسلمانان به این نتیجه رسیده‌اند که با اتحاد و هم‌بستگی کامل در زیر پرچم پر افتخار نظام اسلامی که پرتوی تاب‌ناک از حکومت علوی و مهدوی است، می‌توانند گوی سبقت را در تمامی زمینه‌های علم و خدمت از دیگران برابند و خود را به قله‌های رفیع تکامل و سعادت برسانند، چنان که «امید به آینده، بدون عمل معنا ندارد. امام زمان بر اعمال و رفتار انسان‌ها و کردار پیروان و منتظران خود آگاهی دارند و از هرگونه فعالیت و نشاط و عزم راسخ در عرصه‌های معنوی و میدان‌های کار و تلاش خرسند می‌شوند. ملت بزرگ ایران امروز قوی‌تر از گذشته و با عزم‌های راسخ برای پیش‌برد اهداف و آرمان‌های بلند خود محکم ایستاده و تسلیم هیچ‌گونه فشار و تهدیدی نخواهد شد.»^{۴۲}

نتیجه

هدف آینده‌پژوهان این است که اندیشه و ذهن جامعه را به پرسش و چالش وادارند. به همین دلیل، آنان را ترغیب می‌کنند تا به بررسی نقادانه عادت رفتاری خود پردازند، انتخاب‌های دیگر را نیز در نظر آورند، در جست‌وجوی پیش‌آمدهایی افتند که ناشناخته است، به تجزیه و تحلیل اهداف و ارزش‌های خود پردازند، درباره آینده و نظارتی که ممکن است بر آن کنند، هوش‌یارتر باشند و به آزادی و به‌روزی نسل آینده بیندیشند. برای تحقق جامعه دینی ایده‌آل، ناگزیر باید آینده‌پژوه بود. از منظر عدالت و آزادی انسان، باید آینده‌های گوناگون را تصور کرد و سپس از آنها یکی را برگزید. باید توانست جامعه‌ای خوب و شایسته را آراست و بصیرت جامعه درباره آینده، چپستی آینده و چگونگی امکان تحقق آن را از طریق منجی‌باوری برآورد و آنان را به سمتی هدایت نمود که آگاهانه و با اراده خود بیندیشند که آینده چه باید باشد. آنان باید این مهم را مسلم بدانند که آینده را ما از کسی به ارث نمی‌بریم و کسی آن را به ما نمی‌بخشد، بلکه آینده آن چیزی است که باید آن را براساس آن چه وعده داده شده و موظف به پی‌گیری و تحقق آن هستیم، تصور کرد و ساخت.

بنابر اراده خداوند، گریزی از گذر زمان و ورود به آینده نیست. لذا نباید درباره آینده بی‌توجه بود، به ویژه هنگامی که به نشانه‌های گوناگون توجه شود، در خواهیم یافت که آخر زمان به انسان‌های شایسته، صالح، مخلص، عالم، شجاع و متدین متعلق است. لذا منتظران مصلح نمی‌توانند منفعل و نظاره‌گر باشند و بایستی خود را برای اتصاف به این ویژگی‌ها و توسعه آن در جامعه آماده سازند. راه‌بردهای آینده‌نگر باید در ابتدا به آینده و آن چه در آن رخ خواهد داد، جهت صحیحی گیرند و پس از پاسخ به «چه خواهد شد؟» به «چه باید کرد؟» در حال معطوف شوند.

این تحقیق با تکیه بر اصول و روندهای تدوین راه‌برد آینده‌نگرانه به بررسی و پاسخ به پرسش‌هایی چون «چه خواهد شد؟» «چرا چنین خواهد شد؟» آن‌گاه «چه باید کرد؟» پرداخته است؛ زیرا چنین نگرشی درباره زمان نه تنها «داشته‌ها» و «دست‌آوردها» را می‌سنجد، افق دور دست آینده‌ای را بررسی می‌کند که برای صاحبان چنین نگرشی، بسیار نزدیک است.

بنابر اراده خداوند، گریزی از گذر زمان و ورود به آینده نیست. لذا نباید درباره آینده بی‌توجه بود، به ویژه هنگامی که به نشانه‌های گوناگون توجه شود، در خواهیم یافت که آخر زمان به انسان‌های شایسته، صالح، مخلص، عالم، شجاع و متدین متعلق است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. سوره رعد، آیه ۱۱.
۲. موعود نامه، ص ۱۴۷، {بی‌نا}، قم ۱۳۸۳ شمسی.
۳. سیدمصطفی حسینی نواب، *جواهر السعداء در احوال امام عصر*، ص ۹۵۶، انتشارات اعلام التقی، قم ۱۳۸۳ شمسی.
۴. سوره مائده، آیه ۵۰.
۵. *صحیفه نور*، ج ۲۷، ۱۳۷۱ شمسی.
۶. علامه مجلسی، *بحار الانوار*، ص ۱۴۸، روایت ۲۲.
۷. رحیم کارگر، *آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)*، ص ۱۴۱، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم ۱۳۸۱ شمسی.
۸. محمد مظاهری، *امکان طول عمر تا بی‌نهایت*، ص ۸۵، انتشارات ارغوان دانش، قم ۱۳۸۳ شمسی.
۹. سلیمان خدامراد، *بازگشت به دنیا در پایان تاریخ*، ص ۱۵۱، انتشارات بوستان کتاب، قم ۱۳۸۴ شمسی.
۱۰. سوره محمد، آیه ۷.
۱۱. سیدطیب جزایری، *آخرین امید جهان، وجود مقدس امام زمان*، ص ۴۱، انتشارات دارالکتاب، قم ۱۳۸۲ شمسی.
۱۲. الوین تافلر، *جابه‌جایی در قدرت*، ترجمه شهین دخت خوارزمی، ص ۱۲۵-۱۴۹، چاپ اول: انتشارات سیمرغ، تهران ۱۳۵۰ شمسی.
۱۳. اس. اچ. کار، *تاریخ چیست؟* ترجمه حسن کام‌شاد، ص ۱۹۵، چاپ اول: انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۵۳ شمسی.
۱۴. آتورلیو، پچی و دیگران، *جهان در آستانه قرن بیست و یکم*، ترجمه علی اسدی، ص ۵۷، چاپ اول: انتشارات و آموزش انقلاط اسلامی، تهران ۱۳۷۴ شمسی.
۱۵. سید مرتضی مجتهدی سیستانی، *صحیفه مهدیه*، ترجمه مؤسسه اسلامی ترجمه، ص ۷۹، نشر الماس، ۱۳۸۲ شمسی.
۱۶. مرتضی مطهری، *امدادهای غیبی در زندگی بشر به ضمیمه چهار مقاله دیگر*، ص ۷۲، چاپ دوم: ۱۳۶۲ شمسی.
۱۷. سخن‌رانی مقام معظم رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی، ۱۳۷۶/۹/۲۵.
۱۸. همان.
۱۹. همان.
۲۰. سوره اعراف، آیه ۱۵۷.
۲۱. سخن‌رانی مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۱/۲۶.
۲۲. سخن‌رانی مقام معظم رهبری، آبان ۱۳۷۹.
۲۳. سخنان مقام معظم رهبری، تیر ۱۳۸۶.
۲۴. نعمانی، *الغیبه*، ص ۲۱۳.
۲۵. سخنان مقام معظم رهبری، بهمن ۱۳۷۰.
۲۶. همان.
۲۷. بحرانی، *غایة المرام*، ج ۷، ص ۱۰۵.
۲۸. سخن‌رانی مقام معظم رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلاهی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.
۲۹. همان.
۳۰. همان.
۳۱. ریموند کارن، *فقر تاریخی‌گری*، ترجمه احمد آرام، ص ۴۷، چاپ اول: انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۵۰ شمسی.
۳۲. نک: دبلیو والش، *مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ*، ترجمه ضیاء الدین علایی طباطبایی، ص ۱۹، چاپ اول: انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۳ شمسی.
۳۳. سخن‌رانی مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور، مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۶/۴/۹.
۳۴. حسن فیروزآبادی، مجموعه مقالات سومین همایش دکترین مهدویت، اسفند ۱۳۸۶.
۳۵. سخن‌رانی مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور، مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۶/۴/۹.
۳۶. حسن فیروزآبادی، مجموعه مقالات سومین همایش دکترین مهدویت، اسفند ۱۳۸۶.
۳۷. سخن‌رانی مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور، مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۶/۴/۹.
۳۸. سخن‌رانی مقام معظم رهبری، اسفند ۱۳۸۶.
۳۹. حسن فیروزآبادی، مجموعه مقالات سومین همایش دکترین مهدویت، اسفند ۱۳۸۶.
۴۰. سخن‌رانی مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور، مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۶/۴/۹.
۴۱. سخن‌رانی مقام معظم رهبری در دیدار قشرهای مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی، ۱۳۸۴/۶/۲۹.
۴۲. همان.